

خبر ویژه

به مناسبت روز خبرنگار و به یاد تمام خبرنگارانی که بین ما نیستند

جشنواره خبری «نویسبان» اسنپ برای حفظ محیط زیست



دنیای این روزهای ما آن قدر پُر است از اخبار و اتفاقات مختلف که سخت فرصت می‌کنیم یکی را هضم کنیم و برویم سراغ دیگری. اما این خبرنگارها هستند که در هجمه پرفشار وقایع، علیه فراموشی می‌ایستند و می‌خواهند حقیقت را زنده نگه دارند؛ آنها کلمات و تصاویر را به کار می‌گیرند تا حرف‌ها در پستوی فراموشی دفن نشوند و وقایع در هاله‌ای از ابهام نمانند. در حافظه تاریخ می‌ماند که خبرنگارانی در بزنگاه‌های مختلف ایستادند، هزاران اتفاقی را نوشتند و تصویر کردند که اگر نبودند نمی‌توانست تا همیشه ناگفته بماند. دو نفر از این هزاران، رحانه یاسینی و مهشاد کریمی، خبرنگاران حوزه محیط زیست بودند که تیرماه اسسال جان خود را در سفر بی‌ بازگشت بازدید از احیای دریاچه ارومیه از دست دادند. روابط عمومی اسنپ هم‌زمان با روز خبرنگار در نظر دارد به یاد رحانه و مهشاد، از همه خبرنگاران، گزارشگران، عکاسان، برنامه‌سازان رادیویی و تلویزیونی روزنامه‌نگارانی که برای پیگیری سوزّه‌های خبری و تحقیقی خود در حوزه محیط زیست به دنبال حامی مالی هستند دعوت کند تا در جشنواره خبری «نویسبان» با حمایت مالی ۲۰ میلیون تومانی مشارکت کنند. علاقه‌مندان شرکت در این جشنواره تا تاریخ دوشنبه یک شهریور ۱۴۰۰ فرصت دارند طرح اولیه خود را به نشانی pr@snapp.cab ارسال کنند.

شرایط شرکت در جشنواره‌ی خبری اسنپ چیست؟

آن‌طور که روابط عمومی اسنپ می‌گوید: «هدف از برگزاری این جشنواره حمایت از روزنامه‌نگاری تحقیقی و تولید محتوای اثربخش برای حفظ محیط زیست است و به این ترتیب قصد داریم از تولید و انتشار گزارش‌های منتهی، تصویری (عکس و ویدئو) و صوتی (پادکست، پیکرانه درباره معضلات زیستی که به‌طور مستقیم با معیشت مردم ارتباط دارند حمایت کنیم». بحران آب و مسائل مربوط به آسیب‌ها و تهدیدهای زیستگاه‌های طبیعی به‌عنوان موضوعات این جشنواره به شرح زیر انتخاب شده‌اند:
- مسائل مربوط به «آب و کمبود آب»
-مسائل مربوط به «تخریب عرصه‌های طبیعی»

-مسائل مربوط به «تعارض میان منافع جامعه محلی و عرصه‌های طبیعی»

طرح‌های ارسالی به کمک هیئت داوران، متشکل از حمیدرضا میرزاده (خبرنگار و کنشگر محیط زیست)، مهندس محمدرضا خدایی‌پاشی (متخصص حوزه آب) و دکتر هادی کیادری (متخصص حوزه جنگل)، بررسی می‌شود و سه طرح برتر به‌عنوان برندگان نهایی معرفی می‌شوند. برای اطلاع از شیوه‌نامه جشنواره خبری اسنپ به بلاگ اسنپ مراجعه کنید.

ادامه از صفحه ۲

روز سیاه‌مزار

تهران پیش‌تر با دولت پاکستان تماس گرفته بود تا از امنیت کنسولگری خودش خاطرجمع شود؛ چراکه ایرانی‌ها می‌دانستند افسران سازمان اطلاعاتی پاکستان همراه با طالبان وارد مزار شده‌اند. ایرانی‌های داخل کنسولگری گمان کرده بودند گروه دوست‌محمد برای حفاظت از آنها اعزام شده است؛ بنابراین ابتدا از ورود آنها استقبال می‌کنند. طالبان صنما ۴۵ راننده کامیون ایرانی را هم ربوده بودند. طالبان در ابتدا حاضر به اعلام مکان دیپلمات‌ها نمی‌شد، ولی با افزایش اعتراض‌های بین‌المللی و خشم طرف ایرانی، اذعان کرد دیپلمات‌ها به قتل رسیده‌اند، ولی نه با دستور رسمی بلکه به دست گروهی از طالبان پیمان‌شکن.
باین حال، منابع موثق گفتند که دوست‌محمد روی بی‌سیم با ملاعمر صحبت کرده بود تا بپرسد آیا باید ایرانی‌ها را بکشد یا خیر و عمر مجوز کار را صادر کرده بود. فارغ از صحت و سقم این خبر، ایرانی‌ها قطعاً خبر را باور داشتند. فضای روزگار اینکه دوست‌محمد بعد‌ها در قندهار سر از حبس درآورد؛ چراکه همراه خودش دو زن هزاره را به صیفگی آورده بود و زوجه‌اش در قندهار شکایت پیش ملاعمر برده بود. حدود ۴۰۰ زن هزاره را ربوده و به حکم صیغه به طالبان داده بودند.

بلفاصله تک‌تک پلاک‌ها را

ادامه از صفحه ۵

بین آنها املاکی هم بود که شهرداری پس گرفته بود و به‌عنوان فضای اداری استفاده می‌کرد. اما مواردی هم بود که هنوز در اختیار همان کسی قرار داشت که چندین سال قبل آن را دریافت کرده بود؛ بنابراین هنوز هم من احتمالی می‌دهم دیتایی‌های ما کامل نباشد و باز مواردی از واگذاری‌های غیرقانونی دوره گذشته باقی مانده باشند، ولی این نقص احتمالا خیلی بزرگ نیست. مواردی که ما پیدا نکردیم باید استثنا باشد.

شهرداری وظیفه دارد به عموم شهر و در مواردی به اقتضار نیازمند خدمت خاص ارائه کند؛ آن‌هم به تشخیص شورای شهر به‌عنوان نمایندگان مردم. منطقا هیچ شخص یا نهاد دیگری نباید از اموال و املاک شهر بهره‌مند شود. البته در این زمینه اختلاف نظر هست و بخشی از آن نیز سیاسی است. قبل از انتخابات در کلاب‌هاوس گفت‌وگو می‌کردیم و آقای امانی که الان هم به شوروا راه پیدا کرده‌اند، صراحتا می‌گفتند که ما به مداح‌ها جا دادیم و کار خوبی کردیم و به آن اعتقاد داریم. از دید من و کسانی که همفکر من هستند، اموال شهر و شهرداری برای عموم است و نه خواص. البته باید به افراد دارای معلولیت یا ساکنان مناطق جنوب شهر یا مثلا کسانی که به جای وسیله نقلیه شخصی از حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند، خدمات خاص ارائه کرد، اما با رویکرد منافع عمومی و نه به قصد توزیع رانت و حامی‌پروری، خب شاید ما با دوستان شورای جدید در این زمینه اختلاف نظر داریم. ما عقیده داریم شهر برای همه است و منابع و منافع شهر هم در خدمت آحاد مردم است نه گروه‌های خاص. برخی نمونه‌ها شاید روشنگر باشند؛ مثلا موردی هست که چند سال قبل به امام‌جماعت یک مسجد فضایی برای اقامت به‌عنوان خانه عالم داده شد، حالا امام‌جماعت عوض شده و امام‌جماعت جدید در آن ساکن است. اما در بعضی موارد امام‌جماعت فعلی در جای دیگری ساکن شده است و محل قبلی از طرف مسجد اجاره داده شده است و بابت آن اجاره دریافت می‌کنند. معلوم هم نیست کی و کجا خرج می‌کند. این استفاده‌ها انصافا نه توجیه اجتماعی دارد و نه شرعی و قانونی. این ملک متعلق به شهرداری است. در هر حال اگر فضایی در اختیار کسی قرار گرفته، مسئولیت نظارت بر آن با شورا و شهرداری است.

۱۴ مهر ۹۶ که مشخص شد **شورا جرمی برای رسیدگی دارد، بازپس‌گیری هم شروع شد یا موکول به پس از تنظیم گزارش نهایی در سال ۹۹**؟
از شهردار در سال ۹۸ بخش‌نامه‌ای گرفتیم به همه مناطق و سازمان‌ها و شرکت‌ها که بعد از این کمیسیون در ریاست معاون اجتماعی، معاون مالی، رئیس دفتر شهردار، رئیس سازمان بازرسی و رئیس سازمان املاک تشکیل شده است. این مجموعه پنج‌نفره قرار بود املاک را تعیین تکلیف کنند. رئیس دبیرخانه و دبیر کمیسیون هم بنده هستم. منظور از تعیین تکلیف هم این است که با بررسی سوابق و گزارش‌ها، کم فعالیت در ملک شهرداری را انحرافی تشخیص می‌دهید یا قابل ادامه‌دان. مواردی که انحرافی تشخیص داده می‌شد، بدون تصویب شورا برای تخلیه اقدام می‌شود. الان طبق اجازه قانونی که از شورا گرفته‌ایم، از حدود دوهزار و ۶۰۰ ملک، املاک با کاربر اجتماعی را که زیر نظر خود شهرداری اداره می‌شود، با دستورالعمل تعیین تکلیف می‌کنیم. مثلا فرهنگ‌سراها یا خانه‌های فرهنگ یا سراهای محله … و کم باز هم زیرمجموعه جایی در شهرداری هستند، اما ممکن است واگذاری جزئی داشته باشند؛ مثلا در حد یک اتاق یا اینکه در مواردی ممکن است قاعده فعالیت آنها مشخص نبوده است. یا بعضی از زمین چمن‌های محله‌ها هم در دست شورایی‌ها بودند که الان بیشتر آنها پس گرفته شده‌اند یا در بعضی از محله‌ها کم‌برخوردار همچنان در اختیار شورایی‌ها هستند. همه اینهایی که واگذاری به غیر نیستند، در قالب دستورالعمل تعیین تکلیف می‌شوند. وقتی اینها را کم می‌کنیم، حدود هزار مورد از آن دوهزار و ۶۰۰ ملک باقی می‌ماند. الان از این هزار مورد نزدیک به ۴۰۰ مورد تخلیه و بازپس‌گیری شده است و شهرداری اکثر آنها را در مزایده فروخته یا تهاتر کرده یا به کاربری دیگری اختصاص داده است. بیش از ۶۰۰ مورد هم باقی مانده که باید تخلیه یا تعیین تکلیف شود؛ یعنی یا باید پس داده شود یا قیمت آن پرداخت شود؛ مثلا سال‌ها در دست کارگانی با ملکیت این مورد اختلاف است یا به صورتی کاربرد تجاری پیدا کرده که دیگر نمی‌توان آن را پس گرفت. از این ۶۰۰ مورد، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ مورد پس‌گرفتی و بقیه فروختنی است.

۱۴ چطور می‌شود مانع ادامه این تخلف شد تا در آینده باز هم مدیران شهرداری نتوانند املاک را به چنین افرادی واگذار کنند؟

منتشر شود. بعضی اسامی حقوقی و برخی حقیقی است. اگر اراده کافی وجود داشته باشد که فکر می‌کنم در شهرداری وجود دارد، می‌توانیم اسامی کسانی را که قطعا از تخلیه املاک خودداری می‌کنند، منتشر کنیم. برای آنها قیلا هم اظهارهای متعدد صادر شده است.

۱۴ چرا در روزهای پایانی کار شورای پنجم و درست زمانی که یک جناح دیگر می‌خواهد شورا و شهرداری را در دست بگیرد، این کار انجام می‌شود؟ آیا همین موضوع نمی‌تواند ابهام‌هایی ایجاد کند؟ کم‌اینکه

چند نمونه از املاکی که در جریان تحقیقات شناسایی شده‌اند
ساخت به خرج شهرداری، اجاره برای سود شخصی
از علی بیرحسین‌لو خواستیم چند نمونه از املاکی را که در جریان تحقیقات شناسایی شده است، شرح دهد و او بعضی از موارد شاخص را که به گفته خودش قابل‌گفتن بود، توضیح داد:
در شرق تهران عمارت وقت آقای عیسی شریفی حسینی‌به دارد اما به همه چیز شبیه است به‌جز حسینی. برای چند سال حتی تابلو حسینی‌هم بالای در آن نصب نشده بود. ماجرا از زمانی شروع شد که یک برج‌ساز به نام «م» در شرق تهران مشغول به کار بود که از سازنده‌های اصلی این منطقه محسوب می‌شد. قائم‌مقام شهردار وقت آقای عیسی شریفی به شهردار منطقه تلفن می‌کند و می‌گوید که یک ملک در نارمک نیمه‌کاره و در مرحله سفت‌کاری قرار دارد و شهرداری منطقه باید آن را بخرد و بسازد. هیچ توضیحی هم درباره اینکه چرا شهرداری باید آن را بخرد نمی‌دهد. شهردار این کار را انجام می‌دهد و ملک با پول شهرداری ساخته می‌شود. رقم نه‌گفتنی هم برای تملک و تکمیل بنا از طرف شهرداری هزینه شد. بعد آقای شریفی دوباره با شهرداری تماس می‌گیرد و می‌گوید که شخصی به نام «الف» می‌آید و باید ملک را با عنوان حسینی‌به او تحویل دهند. شهردار منطقه بازهم این کار را انجام می‌دهد. البته حسینی‌به‌ها دایر نبوده است و بعد از تحویل‌گرفتن ساختمان، هیئت انضباطی برای حسینی‌به ثبت می‌کنند. ملک چهار طبقه است و پارکینگ دارد. کمی بعد، آقای «الف» طبقه اول و دوم را برای تأمین مخارج حسینی‌به آقای «م» که سازنده و دو واقع مالک اول عمارت بود، اجاره می‌دهد.

در واقع سازنده به جای اینکه خودش ساختمان را بسازد آن را از جیب شهرداری می‌سازد. سال ۹۲ دستور خریداری داده می‌شود و تا سال ۹۴ به بهره‌بردار تحویل داده می‌شود. از ۹۴ تا پاییز پارسل آقای م ملک را تصرف کرده بود و از طبقات دوم و سوم به‌عنوان دفتر کار خود استفاده تجاری می‌کرد. هرگاه‌ای هم برنامه‌های به نام حسینی‌به طبقه همکف آن برگزار می‌شد. سال قبل ما این موضوع را فهمیدیم و فشار آوردیم که ساختمان متعلق به شهرداری است و باید تخلیه شود. حدود آذر یا دی بود که ساختمان را تخلیه کردند و آقای الف کتبا اعتراف کرد که من اینچا را اجاره داده‌ام و حالا پس‌گرفته‌ام و لطفا بگذارید کار حسینی‌به‌ها پیدا کند. در این مدت و هرجایی که فکر کنید با ما تماس گرفتند تا مانع بازپس‌گیری ملک شوند. البته اعمال نفوذ مؤثری نبود؛ چون موضوع آن‌قدر متفضح شده بود که دیگر نمی‌توانستند از آن کاری که انجام شده بود، دفاع کنند ولی توصیه می‌کردند که کار را دنبال نکنیم. تازه این پرونده از نظر ریالی متوسط محسوب می‌شود.

در جنوب غرب تهران منطقه ۱۶ یک ملک پنج‌هزارمتری به‌عنوان مرکز ترک اعتیاد گرفته شده و الان هم در اختیار شخص است؛ یعنی فضای کوچکی برای این کار داشته ولی بیشتر از چهارهزار متر از فضای سبز شهرداری را به ملک ملحق کرده و کسی هم نتوانست آن را پس بگیرد.

شاید نام خیریه عقبی را شنیده باشید. یک عضو شورای چهارم در منطقه ۱۳ جایی را می‌گیرد و برای این خیریه شروع به ساخت‌وساز می‌کند. از سال ۹۴ تا ۹۵ این کار را راها کرد و در سمت دیگر خیابان جایی دیگری را در اختیار گرفت و ساخت. این ملک شهرداری است؛ نیمه‌ساز بود و ستون‌های بزرگی هم داشت. محل تجمع معتادان شده بود. بعد از چند سال، بالاخره پاییز سال قبل حکم قضائی برای رفع تصرف از آنجا صادر شد. یعنی چند سال این ملک ره‌اشده باقی مانده بود. فرایند قضائی خلع‌ید خیلی طولانی است؛ تا به رای برسیم و رای لازم الاجرا باشد، طول می‌کشد؛ بنابراین اینکه برخی می‌گویند آن را پس گرفت. از این ۶۰۰ مورد، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ مورد پس‌گرفتی و بقیه فروختنی است.

۱۴ چطور می‌شود مانع ادامه این تخلف شد تا در آینده باز هم مدیران شهرداری نتوانند املاک را به چنین افرادی واگذار کنند؟

شهرداری لایحه‌ای را دراین‌باره تهیه کرد و به شورا داد. قسمت اول آن در مهر ۹۹ و بیوست‌های تکمیلی در هشتم بهمن ۹۹ به شورا داده شد. چیزی که در صحن به تصویب رسید، لایحه جمعی است و اگر ۸۰ تا ۹۰ درصد آن هم اجرا شود، تقریبا راه بازگشت این سوءاستفاده‌ها را سد می‌کند. ذیل آن لایحه باید چند اقدام تدوین شود که آن دستورالعمل‌ها ضابطه‌های بعدی را مشخص می‌کند. چند اقدام هم باید انجام شود که مهم‌ترین آن انتشار عمومی اطلاعات است. چند کار باید از الان تا یک ماه بعد انجام شود. یکی انتشار عمومی همین املاکی است که در وضعیت واگذار شده‌ها قرار دارند و شورا ادامه فعالیت آنها را تأیید کرده است. دوم انتشار مشخصات املاکی است که شهرداری تقاضای تخلیه آنها را کرده است و یک ماه از اخطار رسمی می‌گذرد و آنها از تخلیه خودداری کرده‌اند. این هم مصوبه شورااست که باید

جامعه

چگونه سفره رانت هزاران میلیاردی جمع شد

باعث انتقادهایی هم شده است.

قبول دارم که خیلی خوب بود اگر زودتر کار به این سرانجام می‌رسید، اما بررسی و بازدید صدها ملک و کشف صدها مورد دیگر و پیداکردن پرونده و سوابق صدها مورد واگذاری که هیچ پرونده و سابقه‌ای از آنها وجود نداشت یا صرفا یک دستور شفاهی یا یک برگ کاغذ فاقد ارزش قانونی بود، اصلا ممکن نبود چندماهه تمام شود. روز اول که شورا مصوب کرد املاک تعیین تکلیف شوند، نه آنها ابعاد کار را می‌دانستند و نه مدیران

چند نمونه از املاکی که در جریان تحقیقات شناسایی شده‌اند

ساخت به خرج شهرداری، اجاره برای سود شخصی

یک انجمن شهری تأسیس کنند. در بازدید مشخص شد که چهار واحد را اجاره داده‌اند و دو واحد هم در اختیار یکی از اقوام یک فرد معروف تهران است. وقتی که ما پیگیری کردیم و نامه‌زدیم که تخلیه کنند، اتفاقی متوجه شدیم که یک مسئول فعلی در شهرداری تهران به جانبداری از آنها وارد شده و دستور موازی گرفته که بمانند. جالب بود که فردی که ملک به نام او ثبت شده بود و امضایش پای نامه درخواست تمدید فعالیت بود، در تماس تلفنی از اساس ابراز بی‌اطعای کرد و گفت نه من رئیس هیئت‌مدیره هستم و نه حتی چنین انجمنی تا الان تأسیس شده! این ملک را هم هنوز پس نداده‌اند. ملک دیگری با متراز بالا در شرق تهران به‌عنوان حسینی‌به اهالی فلان شهر مقیم مرکز داده شد ولی وقتی همکاران شهرداری برای بازدید رفتند، دیدند که آنجا را به دفتر فروش و انبار سوغاتی‌های آن شهر تبدیل کرده‌اند و کلا به نام حسینی‌به دارد به کار فروش و پخش محصولات محلی می‌پردازند.

هفت واحد آپارتمان شهرداری در خیابان میرداماد به نام کار خیریه در اختیار یکی از مدیران ارشد سابق قرار گرفته بوده که در مراجعه مشخص شد او همه این هفت واحد را اجاره کرده و فعالیت‌هایی مثل آرایشگاه زنانه، موزن و … در آنجا برقرار است. وقتی به آن فرد اعلام شد که آقا چرا ملک خیریه را اجاره دادی، گفته در این واحدها هم امکان کار خیر نبود؛ من اجاره دادم که پولش را خرج کار خیر کنم. این واحدها خوشبختانه از جمله مواردی بود که با پیگیری زیاد نهایتا تخلیه و پس گرفته شد.

ملک دیگری در منطقه دو با دستور قائم‌مقام شهردار اسبق در اختیار یک خیریه گذاشته شده بود ولی در بازدیدهای سرزده مشخص شد که در آن ملک، فعالیت انتفاعی در جریان است و یک مؤسسه سینمایی مستقر شده. به محض اینکه نامه تخلیه با اعلام نوع انحراف و تخلف برای آنها رفت، برای بازدید بعدی دستورالعمل و فضای استودیویی را جمع کردند و بسته‌های مواد غذایی وسط اتاق‌ها گذاشتند! درحالی‌که جزوه‌های سینمایی هنوز روی کمد‌ها و میزهای کناری مانده بود.

باغی به مساحت بیش‌شده ۱۵ هکتار در منطقه پنج قرار دارد که در دست یکی از نهادهاست. در عمل نزدیک ۱۸ هکتار است. شهرداری قاعدتا مخالفتی با فروش به این نهاد ندارد، به شرط اینکه تبدیل به مجتمع مسکونی نشود. سال قبل هم با این نهاد مذاکره کردیم و آنها ابتدا شفاهی و بعد به‌صورت کتبی درخواست کردند که این باغ با املاکی که در مرکز شهر دارند، معاوضه شود. اینها مواردی است که قاعدتاً در دوره بعد باید پیگیری شود تا اموال شهر و شهروندان حراست شود.

زمانی برای ساخت حوزه علمیه تعهدی از طرف شهرداری داده شده بود. در نفس عمل بحثی نیست شور شورا تصمیم گرفتند. اما در منطقه‌های ۱۸ و ۱۳ در فضایی که بافت مسکونی است، این کار انجام شده است. در بعضی موارد زمین در مناطقی از شهر واگذار شده که به نظر می‌آید قصد ساختن فضای تجاری دارند و آن زمین را برای سال‌ها بلوکه کرده‌اند. نه ساخته‌اند و نه اجاره می‌دهند که شهرداری کار دیگری انجام دهد. یعنی فقط تصرف کرده‌اند. در منطقه‌های ۲ و ۲۲ و حداقل در چند منطقه این زمین‌ها وجود دارد. برداشت خوش‌بینانه این است که صبر کرده‌اند تا شهرداری خودش وادار شود با هزینه خودش این ساختمان را بسازد. برداشت بدبینانه این است که اساسا نگاه این نبوده بلکه می‌خواستند آنجا را بگیرند و مانند موارد دیگری شود که به اسم خیریه باشند، حسینی‌به گرفته‌اند و پاساژ و مجموعه ورزشی ساخته‌اند.

برای اینکه این کار چه برای حوزه علمیه و چه برای بیمارستان و هم‌راسا قاعده‌مند شود، ما هم در شهرداری و هم در شورای شهر مصوب کردیم که اگر کسی تحویل گرفت و بعد از یک سال هیچ اقدامی نکرد، زمین را پس بگیریم. کسی دیگر حق ندارد املاک شهرداری را بلوکه کند تا یک روزی کار دیگری کند.

در یکی از محله‌های جنوب غربی تهران در داخل بوستان فضایی به یک نهاد داده شده است ولی جدا از ساختمان ناحیه، یک فضا به شکل تالار پذیرایی هم هست که به همراه ساختمان اصلی تحویل شده است. بعد تحویل‌گیرنده آن را به برادرش تحویل داده است تا اداره کند؛ یعنی یک تالار کاملا با کاربری تجاری به شخص داده شده است که حتی بعد از تغییرات فرماندهی هم ساختمان در اختیار همان کسی مانده که از آن برای برگزاری مراسم و کسب درآمد استفاده می‌کرد.

این دوره شهرداری.

این نکته را هم اضافه کنم که دو موضوع واگذاری‌های جدید و تعیین تکلیف واگذاری‌های قبلی از هم جداست. الان آنچه در برخی رسانه‌ها مورد انتقاد واقع شده، مسئله مجوزهای خاصی است که چند عضو شورا پیشنهاد داشتند؛ مانند واگذاری زمین به باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس یا فروش به فدراسیون فوتبال با شرایط خاص. موضوع تعیین تکلیف املاک اساسا متفاوت با این تصمیمات موردی است. توجه کنید که صحبت از تعیین تکلیف دو هزار ملک با ارزش چندین هزار میلیارد تومان است که عمده موارد پس‌گرفتی است. طبعاً در موارد خاص شهرداری از شورا تقاضای ادامه فعالیت می‌کند؛ مثلا درباره ساختمان انجمن بیماری‌های کلیوی که از سال‌های ۷۰ فعالیت می‌کند یا بیمارستان‌ها و هم‌راسه‌راهایی که باید ساخته شود یا مجموعه‌هایی که برای بیماران اتیسم، افراد دارای معلولیت، زنان تحت خشونت خانگی و امثال اینها فعالیت می‌کنند. نظیر اینها موارد متعددی بود که شورا به ادامه فعالیت آنها رای داد. عمده اینها بیمارستان، درمانگاه، مراکز سلامت محلی، انجمن‌های عمومی، فعالیت‌های عام‌المنفعه و مانند آن هستند.

۱۴ چطور می‌شود اطمینان داشت که واگذاری بی‌مساب املاک دیگر اتفاق نمی‌افتد؟

الان اگر کسی بخواهد سوءاستفاده کند باز هم ممکن است بتواند، اما فعلا مدیران در این زمینه محتاط‌تر شده‌اند؛ چون می‌دانند مشخص می‌شود. من نمی‌توانم ادعا کنم صد درصد شفاف بودیم، اما به سمت آن حرکت کردیم و امیدواریم نظرات عمومی ادامه پیدا کند و برگشت‌ناپذیر باشد. یکی از کارهایی که در همین یک ماه اخیر می‌خواهیم انجام دهیم، این است که در همین صد مورد ملکی که شهرداری واگذار کرده است، تابلوهایی نصب شود و نشان دهد که ملک متعلق به شهرداری است و برای چه کاری اختصاص داده شده. این‌هم بخشی از شفافیت است. امیدوارم این روند برگشت‌ناپذیر باشد. سائتی طراحی کردیم که بعد از این اگر تقاضای جدیدی بود، دیگر صرفا از طریق سایت انجام شود. قیلا با نامه‌نگاری به یکی از مدیران شهرداری این تقاضا ارائه می‌شد.

یکی از مصوباتی که ما از شورا گرفتیم و امیدوارم بتوانیم دستورالعمل آن را بنویسیم، این بود که شهروندان را برای اطلاع‌دادن موارد تخلف شفافیت کنیم و حتی جایزه مالی بگذاریم. مثلا در بازدیدها سراغ ساختمانی می‌رفتیم که یک طبقه آن متعلق به شهرداری بود. کسی می‌گفت که یک طبقه دیگر هم مال شهرداری است ولی در اختیار فردی قرار گرفته که از آن استفاده تجاری می‌کند. وقتی تحقیق می‌کردیم، متوجه می‌شدیم که درست می‌گویند. نظارت شهروندی و شفافیت بهترین راهکارهای برگشت‌ناپذیرکردن این فرایند است.

۱۴ بدترین پرونده‌ای که در این مدت با آن برخورد داشتید، چه بود؟

من نمی‌توانم در اینجا از یک مورد خاص اسم ببرم اما بدترین موضوع که برای خودم تلخ و مایه تأسف بود، این بود که از فضای مذهبی، استفاده تجاری می‌کردند و کاملا برای نفع شخصی بهره می‌بردند. مثلا فرض کنید مال شهرداری است ولی در اختیار فردی قرار گرفته که از آن استفاده تجاری می‌کند. وقتی تحقیق می‌کردیم، متوجه می‌شدیم که درست می‌گویند. نظارت شهروندی و شفافیت بهترین راهکارهای برگشت‌ناپذیرکردن این فرایند است.

من نمی‌توانم در اینجا از یک مورد خاص اسم ببرم اما بدترین موضوع که برای خودم تلخ و مایه تأسف بود، این بود که از فضای مذهبی، استفاده تجاری می‌کردند و کاملا برای نفع شخصی بهره می‌بردند. مثلا فرض کنید مال شهرداری است ولی در اختیار فردی قرار گرفته که از آن خرج حسینی‌به می‌کند اما وقتی بررسی می‌کنید، می‌بینید که حسینی‌به اصلا فعالیتی ندارد به‌جز اینکه دفتر کاری همان فرد است. این تلخ‌ترین و زشت‌ترین نوع سوءاستفاده بود. به نظر شخص من، کسانی که اسم خود را خیریه می‌گذارند ولی کنارش کار سیاسی هم می‌کنند، این خیلی عجیب نیست و این میزان از انحراف نوعا رخ می‌دهد اما کسی که به اسم باورهای مذهبی از اموال عمومی کاملا برای جیب خودش کار می‌کند، بدترین سوءاستفاده را کرده است. مهر ۹۶ شورای شهر پنجم مصوب کرد که همه موارد واگذاری املاک از ابتدا تشکیل شورای شهر تهران یعنی از سال ۷۸ تا سال ۹۶ درآورد و به شورا ارائه شود. این کار از همان ۹۶ شروع شد و تا اواسط سال ۹۸ اطلاعات ۱۹۰۴ ملک به دست آمد. از املاکی که الان دوباره به‌صورت ساختمان اداری شهرداری مورد استفاده قرار می‌گرفتند تا بسیاری املاکی که در حوزه اجتماعی و فرهنگی شهرداری کار می‌کردند و جزء همین عناوین تعریف شده بودند. مانند زمین‌های ورزشی، سرای محله، موزه، خانه فرهنگ، مراکز برونو و کارآفرینی و … و همین‌طور املاکی که برای فضاهای مذهبی و ساخت آنها مورد استفاده قرار گرفته بود مانند مسجد و هیئت. بعضی موارد هم برای استفاده مسکونی و تجاری واگذار شده بود اما با عناوین عام‌المنفعه. بعضی اموال قائل به این بودند که ما همان ۱۹۰۴ مورد در شهرداری و هم در شورای شهر مصوب کردیم که اگر کسی تحویل گرفت و بعد از یک سال هیچ اقدامی نکرد، زمین را پس بگیریم. کسی دیگر حق ندارد املاک شهرداری را بلوکه کند تا یک روزی کار دیگری کند.

در یکی از محله‌های جنوب غربی تهران در داخل بوستان فضایی به یک نهاد داده شده است ولی جدا از ساختمان ناحیه، یک فضا به شکل تالار پذیرایی هم هست که به همراه ساختمان اصلی تحویل شده است. بعد تحویل‌گیرنده آن را به برادرش تحویل داده است تا اداره کند؛ یعنی یک تالار کاملا با کاربری تجاری به شخص داده شده است که حتی بعد از تغییرات فرماندهی هم ساختمان در اختیار همان کسی مانده که از آن برای برگزاری مراسم و کسب درآمد استفاده می‌کرد.

سال‌های قبل واگذار شده بودند.

ادامه از صفحه اول

مهاجران افغانستانی

و انتخابات اخیر در ایران

مواضع و سخنان گروهی از شخصیت‌های محترم افغانستانی ابهامات زیادی درباره نوع و میزان و چگونگی «تأثیرگذاری جالبی برای پرشور برگزارشدن انتخابات و جلب آرا به نفع» یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری از سوی شهروندان مهاجر افغانستانی در ایران موضوع بسیار مهمی است که باید از سوی نهادهای قانونی و قضائی و سیاسی کشور به دقت مورد بررسی قرار گیرد و با پیگیری‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای ابعاد آن روشن شود. نباید اجازه داد خلاف موازین قانونی در این حوزه اقدامی صورت گیرد و البته از مهاجران افغانستانی خدای‌ناکرده استفاده ابزاری صورت گیرد. همچنین ضروری است که درباره روند اعطای تابعیت به شهروندان مهاجر افغانستانی با دقت صورت گیرد تا مشخص شود آیا در اعطای تابعیت به شهروندان مهاجر افغانستانی آیا مَر قانون مورد توجه قرار گرفته یا اساسا طی چه فرایندهایی و براساس چه ضوابط و ملاک‌هایی و برای چه تعداد این اقدام یعنی اعطای تابعیت صورت گرفته است؟ بدیهی است که اعطای تابعیت احتمالی به شهروندان دیگر کشور طری چه فرایندهایی و چگونه صورت می‌گیرد؟

اینجا چراغی روشن است

از طرف دیگر با گسترش فضای مجازی و مخابره اخبار در کمتر از ثانیه، به نظر می‌رسد روزنامه‌ها از فضای مجازی جا مانده‌اند. هرچند کاهش فروش روزنامه کاغذی می‌تواند شاهدی بر این ادعا باشد، اما هنوز که هنوز است، سوزّه و افراد مختلف از هر طیف و جناحی برایشان حضور در روزنامه اهمیت دارد. سوزّه‌ها هنوز برای عکس و تیتُر یک شدن در روزنامه‌های حتی کم‌تیراژ امروزی سر و دست می‌شکنند و همین می‌تواند نشانی از اهمیت وجود رسانه کاغذی حتی با وجود اصرار بر حذف آن باشد. این مسئله هیچ منافاتی با مدرن‌شدن روزنامه‌نگاری در ایران ندارد. سوزّه‌ها هنوز همچنان که باید با یادگیری متد جدید در عرصه خبر خود را به مخاطب جست‌وجوگر برساند اما نباید از حفظ سنسگرهای رسانه در ایران غافل شود. چراکه سنسگرهای رسانه در ایران زیاد نیست که بخواهیم به بهانه بیوستن به مدرنیته آنها را از دست بدهیم. حالا خبرنگاران ساختن ویدئو را بیاد می‌گیرند، در فضای مجازی خبر و پادکست‌های خبری تولید می‌کنند و در کنارش روزنامه‌ها را هم زنده نگه می‌دارند. همین‌جا، درست پشت یکی از صندلی‌های تحریریه‌های خلوت امروز که کرونא محاصره‌شان کرده، خبرنگاران در حال مبارزه‌ای نابرابر برای جلوگیری از تصویب قوانینی هستند که دسترسی مردم به اطلاعات آزاد را محدود می‌کند.

در همین تحریریه‌هایی که به خاطر کرونا مدت‌هاست صدای خنده روزنامه‌نگاران در راهروهایش نپیش‌نچیده، خبرنگاران از کمبود دارو و زیادبودن روی مسئولان می‌نویسند. خبرنگارانی که عادت کرده‌اند به اتهام از خودی و غریبه. عادت کرده‌اند به حقوق کم و خانه‌های کوچک. به قسط‌های عقب‌افتاده و تعطیلی و تعدیل لنگ‌های اینچا، در تحریریه روزنامه‌ها و خبرنگاران‌ها جا مانده است. هنوز با دیدن سخنرانی‌ها گل‌گلدرد گزارش‌هایشان درست مثل بچه‌ها ذوق‌زده می‌شوند و وقتی مردم به خاطر یک گزارش می‌کنند و زیادبودن روی مسئولان می‌نویسند. تازه دامادشان نقل روی مزارشان می‌ریزد. خبرنگارانی که این روزها بالاترین آمار مراجعه به روان‌کاو و روان‌پزشک را به خاطر در محاصره اخبار تلخ بودن دارند. آنها دیگر به داغ‌های جمعی عادت کرده‌اند. حدود ۴۰ روز پیش به خاطر بی‌مبالائی و بی‌اهمیت تلقی شدن جان خبرنگارانی که برای بازدید از دریاچه ارومیه به استان آذربایجان غربی سفر کرده بودند، جان نازنین ریحانه یاسینی در دست کریمی از دست رفت. کمی پیش‌تر علی اکرمی، روزنامه‌نگار سیاسی به دلیل ابتلا به کرونا جامعه خبر را نادفدار کرد و چند ماه قبل از آن مرگ شیده لالمی ما را در بهت فروبرد. مایه که هنوز جامه سیاه روح‌الله رجایی را از تتمان درنیاورده بودیم.

از داخل این تحریریه خلوت و این صندلی‌های خاک‌گرفته و میزهایی که رویشان ماسک و اسپرئ ضدعفونی یکی از روزنامه‌نگاران جا مانده، روز خبرنگار را تبریک می‌گویم. از همین‌جا پیگیر حالتان هستیم، پیگیر وعده‌های عملی نشده، محدودیت‌های وعده داده‌شده و اخبار فوری همیشگی. ما این چراغ را روشن نگه می‌داریم. شما فقط هوایمان را داشته باشید.